

<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده پایان نامه فارسی و انگلیسی</p> <p>عنوان پایان نامه : گذار به انرژی های نو و تاثیر آن بر ژئوپلیتیک انرژی جهان در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲</p> <p>رشته تحصیلی: روابط بین الملل مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد نام استاد مشاور: دکتر حسین شیخ زاده تاریخ دفاع: ۱۴۰۲/۶/۲۸ نام اساتید داور : دکتر سیدعلی منوری دکتر محسن وکیلی</p>	 <p>دانشگاه خوارزمی</p> <p>دانشکده حقوق و علوم سیاسی نام و نام خانوادگی دانشجو محسن بهرام نژاد نام استاد راهنما دکتر سید سعید میرترابی</p>
	<p>برای نزدیک به ۲۰۰ سال، انرژی سوخت‌های فسیلی در نقطه ثقل ژئوپلیتیک قرار داشته است. تمرکز منابع انرژی فسیلی در نقاط محدود جغرافیایی، سبب شد از ابتدای انقلاب صنعتی، گذار به انرژی زغال سنگ، با پیامدهای ژئوپلیتیکی ویژه ای در سطح اروپا همراه شود. بدین ترتیب، مناطق دارای منابع غنی زغال سنگ اهمیت ژئوپلیتیکی پیدا کرد و در ادامه رقابت قدرت های در حال صنعتی شدن اروپایی را برای کنترل این مناطق در پی داشت. جنگ آلمان و فرانسه بر سر منطقه روهر که غنی از زغال سنگ بود، به همین واسطه رخ داد. چرخش به نفت در قرن بیستم، ایالات متحده را به قدرت برتر تبدیل کرد و زوال قدرت‌های بزرگ اروپایی آغاز شد. همزمان با افزایش اهمیت نفت در زمینه تامین انرژی، هم جابجایی عمده ای در قدرت های عمده جهانی صورت گرفت و هم نقشه ژئوپلیتیکی انرژی جهان نیز تغییرات عمده ای کرد. در ابتدای قرن بیستم، کشف نفت در مناطقی همچون شرق آسیا، قفقاز و خاورمیانه، سبب شد این مناطق جایگاه برجسته تری در معادلات قدرت جهانی پیدا کنند. مشخص شد که مساله انرژی منجر به درگیری‌های ژئوپلیتیک چشمگیری می‌شود که عواقب بعدی آنها تا دهه‌ها بر جای می‌ماند. برای مثال در بحران ۱۹۵۶ کانال سوئز، دوايت آیزنهاور، رئیس‌جمهور ایالات متحده از توان مالی کشورش برای توقف اقدام نظامی بریتانیا و فرانسه علیه مصر استفاده کرد. آن‌هم در حالی که حمله به مصر در راستای حفاظت از منافع انرژی اروپای غربی در خاورمیانه طراحی شده بود. با این حال، ایالات متحده به دنبال محافظت از منافع خود در نیمکره غربی بود و اهمیتی به خواسته اروپایی‌ها نداد. در چنین شرایطی چند کشور اروپایی از ترس خیانت احتمالی متحد خود در ناتو، به سوی نفت اتحاد</p>	<p>بیان مسئله</p>

جماهیر سوسیالیستی شوروی و روسیه کنونی روی آوردند. در دهه ۱۹۷۰ میلادی رابطه انرژی میان شوروی و اروپا به صادرات گاز نیز گسترش یافت. از زمانی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ در گرجستان به صراحت اعلام کرد که مرزهای ایجاد شده در نتیجه انحلال اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را نمی‌پذیرد؛ این وابستگی به انرژی روسیه، سیاست اتحادیه اروپا در قبال مسکو را محدود کرده است. همچنین منافع پیرامون سوخت‌های فسیلی باعث شده که چین و روسیه به متحدانی نزدیک تبدیل شوند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، بدیهی بود که پرداختن به تغییرات اقلیمی توسط عوامل ژئوپلیتیک محدود می‌شود و انتخاب منابع جدید انرژی برای توسعه، پیامدهای ژئوپلیتیک به همراه خواهد داشت. آمریکا از تصویب پروتکل ۱۹۹۷ کیوتو در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای سر باز زد؛ زیرا تقریباً کل سنای آمریکا مدعی بود که این توافق تعهداتی بر آمریکا تحمیل می‌کند و چین به دلیل اینکه یک کشور در حال توسعه محسوب می‌شد، از آن مستثناستو این اتفاق به زیان اقتصاد آمریکا خواهد بود. در همین حال، دولت ائتلافی در سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ در برلین حرکت خود به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر را آغاز کرد و کنار گذاشتن انرژی هسته‌ای را کلید زد که این امر باعث تعمیق وابستگی آلمان به گاز روسیه شد. در همان زمان، پوتین یک تلاش استراتژیک ۲ دهه‌ای برای حذف اوکراین از سیستم انتقال گاز روسیه به اروپا را آغاز کرد.

کشورهای وارد کننده نفت به خصوص کشورهای غربی به خوبی با ابعاد ژئوپلیتیکی منفی وابستگی شدید به نفت آشنا هستند، اگرچه کشورهای نفت خیز به ندرت دست به اجرای تحریم های نفتی علیه سایر کشورها زده اند، اما خاطرات تحریمی ۱۹۷۳ همچنان در ذهن غربی ها باقی مانده است و خطر اجرای چنین تحریمی همچنان در دنیای سیاست جدی گرفته می شود.

چنین نگرانی‌هایی در بین کشورهای جنوب و شرق آسیا نیز وجود دارد؛ کشورهایی که نفت موردنیازشان باید از چندین نقطه حساس و مستعد بحران از جمله تنگه مالاکا عبور کند. تنش در کشورهای خاورمیانه و سایر کشورهای نفت خیز از جمله نیجریه و ونزوئلا نیز در دسره های اقتصادهای نوظهور شرق و جنوب آسیا را دوچندان کرده است.

در چنین شرایطی چرا کشورها به انرژی‌های تجدید پذیری مانند باد و خورشید روی نمی‌آورند و خود را از نگرانی‌های ژئوپلیتیکی کنونی رها نمی‌کنند؟ دو دلیل عمده

را می‌توان برای این مسئله ذکر کرد: دلیل اول اینکه بخش زیادی از انرژی مصرفی در بخش حمل‌ونقل، بر پایه نفت است و تا زمانی که استفاده از خودروهای برقی به یک هنجار تبدیل نشود، حتی افزایش تولید انرژی‌های تجدید پذیر نخواهد توانست وابستگی به سوخت‌های فسیلی را قطع کند. اما دلیل دوم که از قضا اهمیت بیشتری هم دارد این است که روی آوردن به انرژی‌های تجدید پذیر می‌تواند پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک خاص خود را به دنبال داشته باشد.

گذشته از مناقشات سیاسی مرتبط با توسعه انرژی هسته‌ای، رشد روزافزون انرژی‌های بادی، خورشیدی و زمین‌گرمایی نیز منجر به ایجاد وابستگی‌های جدید در حوزه تأمین مواد خام خواهد شد. اگرچه هر کشوری در خاک خود از باد، تابش آفتاب و گرمای هسته زمین برخوردار است اما برای تولید انرژی از این منابع باید از تجهیزات خاصی استفاده کرد و در ساخت بسیاری از این تجهیزات، فلزات و کانی‌های خاصی به کار می‌روند که علاوه بر کمیاب بودن، استخراجشان نیز بسیار مشکل است. برای مثال، جهت ساخت پنل‌ها و باتری‌های خورشیدی، عناصری مانند ایندیوم و کبالت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حال حاضر چین تقریباً نیمی از ایندیوم مصرفی در جهان را تولید می‌کند و جمهوری دموکراتیک کنگو بیش از نیمی از منابع شناخته‌شده کبالت در جهان را در خاک خود جای داده است. کشورهای آرژانتین، استرالیا، شیلی و چین بزرگ‌ترین تولیدکننده لیتیوم هستند و کشور بولیوی نیز با تکیه بر ذخایر لیتیوم دست‌نخورده خود می‌تواند در آینده به جمع این کشورهای صادرکننده این فلز اضافه شود؛ فلز کمیابی که در تولید باتری کاربرد گسترده‌ای پیدا کرده است. یکی دیگر از عناصری که در ساخت پنل‌های خورشیدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تلوریوم است که البته در قیاس با سایر عناصر یادشده چندان کمیاب به شمار نمی‌آید. آمریکا بیشتر تلوریوم مورد نیاز خود را از کانادا تأمین می‌کند اما در این حوزه تا حدی به بلژیک، چین و فیلیپین نیز وابسته است.

برخی برآوردها حاکی از این هستند که چین می‌تواند حدود ۹۵ درصد از انواع عناصر معدنی کمیاب در بازارهای جهانی را تأمین نماید. با توجه به رویکردهای سیاسی چین، کشورهای جهان باید انتظار داشته باشند که در صورت مناقشه با این کشور، سناریویی که در سال ۲۰۱۰ برای ژاپن اتفاق افتاد، برای آنها نیز رخ دهد. در سال ۲۰۱۰ و در پی بروز مناقشات دریایی بین پکن و توکیو، چینی‌ها فروش عناصر معدنی کمیاب مورد استفاده در پنل‌های خورشیدی و باتری‌ها به ژاپن را برای مدتی متوقف کردند.

<p>کشورهای اندکی در دنیا عناصر معدنی موردنیاز برای توسعه انرژی‌های تجدید پذیر را در خاک خود جای داده‌اند؛ هرچند این تمام واقعیت نیست. برخی از این کشورها خواه به دلایل سیاسی-اقتصادی و یا فنی اقدامی در جهت استخراج این عناصر انجام نمی‌دهند و تولید و عرضه این عناصر در جهان، در قیاس با منابع موجود بسیار محدود است. به‌رغم همه پیچیدگی‌های موجود، هیچ‌یک از ابعاد منفی توسعه انرژی‌های تجدید پذیر نباید حرکت به سمت آینده‌ای متکی بر این انرژی‌ها را متوقف و یا کند نماید، چراکه مزیت‌های آن همچنان بر هزینه‌هایش برتری دارد. درعین حال دولت‌ها باید مشکلات ژئوپلیتیکی مرتبط با انرژی‌های تجدید پذیر را جدی بگیرند و از هم‌اکنون به فکر برنامه‌ریزی برای مواجهه با این مشکلات باشند.</p> <p>با تغییر ترکیب انرژی جهانی به سمت منابع کم کربن، دنیای انرژی در حال ورود به عصر از هم گسیختگی است. گذار جهانی انرژی بی وقفه ادامه دارد، اما آهنگ تغییرات در همه مناطق به یک اندازه نیست. در این میان، خلیج فارس چهره منحصر به فردی از گذار انرژی به نمایش گذاشته است که برپایه آن اگرچه مجموع تقاضای انرژی از این منطقه طی دو دهه گذشته تقریباً ثابت مانده، اما سهم منابع خلیج فارس در سبد مصرف کشورها و مناطق گوناگون جهان هیچ نسبتی با آن ندارد. گذار انرژی در خلیج فارس بیشتر به شکل تغییر الگوی ترانزیت انرژی از منطقه به سمت بازارهای مصرف فهم میشود. گرچه تغییر در ژئواکونومی احتمالاً با تغییر در ژئوپلیتیک همراه خواهد بود، اما تحقق آن در شرایط فقدان تحولات راهبردی و نظامی چندین دهه طول خواهد کشید.</p>	
<p>توصیفی و تبیینی</p>	<p>روش پژوهش</p>
<p>شتاب گرفتن گذار به انرژی‌های نو در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ چگونه بر ژئوپلیتیک انرژی جهانی تاثیر گذاشته است؟</p> <p>شتاب گرفتن گذار به انرژی‌های نو در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۲ از طریق افزایش اهمیت انرژی‌های خورشیدی و باد در تامین نیازهای انرژی جهان، چشم انداز گسترده‌ای از تحول در ژئوپولوتیک انرژی جهان را ترسیم کرده است که از جمله می‌توان به تغییر تدریجی جایگاه کشورها در بازار انرژی جهان، تغییر ائتلاف‌های مبتنی</p>	<p>سوال و فرضیه تحقیق</p>

<p>انرژی و ترسیم ژئوپلوتیک منطقه ای نوین انرژی و کاهش اهمیت ژئوپوتیک جهانی انرژی متکی بر سوخت های فسیلی اشاره کرد.</p>	
<p>به بررسی انرژی تجدید پذیر و گذار به آن پرداخته شده است و کشورهایی که پیشرو در این زمینه هستند مورد بررسی قرار گرفته اند..</p>	<p>روند پژوهش</p>
<p>۱-تغییر تدریجی جایگاه کشورها در بازار انرژی جهان ۲- تغییر ائتلاف های مبتنی انرژی ۳-ترسیم ژئوپلوتیک منطقه ای نوین انرژی ۴-کاهش اهمیت ژئوپوتیک جهانی انرژی متکی بر سوخت های فسیلی</p>	<p>مهم ترین یافته ها</p>

تایید استاد راهنما

